

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

هشتم مارس امسال در شرایطی پر گوار میگرد که شعارها و تصمیمات کنگره جهانی زنان یمنی مبارزه در راه د برابری - پیشرفت - صلح - در مرکز توجه جنبش جهانی و مترقی زنان قرار دارد. اهمیت این شعار مرکزی در اینجاست که از طرفی مسئله **برابری حقوق اجتماعی و اقتصادی** زن و مرد را در جامعه برجسته میکند و از طرف دیگر آنرا با مسئله **پیشرفت اجتماعی** و نبرد

فرخنده باد روز هشتم مارس - روز بین المللی زنان

دهه دفاع از برابری اجتماعی زن اعلام داشته و این امر بنوعی خود مورد حمایت فلاماریون دمکراتیک بین المللی زنان قرار گرفته است. دولت ایران در جریان کنفرانس مکزیکو به خواستهایی مربوط به حقوق زن در حرف صحنه گذاشته است. زنان کشور ما باید بطلبند که این وعده ها و حرفهای بلون پشتوانه و امضاء کردن عوامفربینانه اسناد مختلف به عمل ' به موازین و مقررات و قوانین ' به اقدامات زنده و محسوس بدل گردد.

مبارزه صنفی در راه برابری حقوق چنانکه گفتیم با مبارزه سیاسی زنان ایران همپای مردان مترقی برای تحول مترقی در کشور ما ارتباط منطقی و سرشتی دارد. در این شصتین سال انقلاب کبیر اکثر بیجاست سخنی از لنین پیشوای این انقلاب که در مارس سال ۱۹۲۱ دنباله در صفحه ۲

در راه صلح جهانی بیوند میدهد. سخن دیگر سومبارزه نا گسستی در برابر زنان جهان واز آنجمله زنان یمنین ما قرار میگیرد: مبارزه در راه حقوق حقه اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی زن و مبارزه در راه تحول مترقی جامعه یا بعبارت دیگر مبارزه صنفی و مبارزه سیاسی. در مورد مبارزه صنفی باید گفت که علی رغم دعای دور و دراز رژیم ایران در باره رفاهی زن ایرانی این مسئله هنوز در کشور ما محل تشنه و محرومیت های مختلف زن در جامعه! خانواده و حیات اقتصادی ادامه دارد. باید توانست با استفاده از کلیه امکانات موجود. با استفاده از تمام تمهیداتی که سخنگویان رژیم بر گردن گرفته اند ' مبارزه صنفی زنان را بسط داد و تا آنجا که ممکن است هیئت حاکمه را به عقب نشینی های بیشتر و بیشتری وادار ساخت. سازمان ملل متحد دهه ای را که اکنون ما در جریان آن هستیم بعنوان

لنه امپریالیستی را علیه نیروهای انقلابی

و مترقی جهان بر ملا کنیم!

(اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

الحق که امپریالیستها در دعوی خود که گویا آنها حامیان حقوق بشر و سوسیالیسم ناقص حقوق بشر است کار. دعوی گستاخانه را از هر حد و نصایب گذرانده اند. به برخی واقعیت های عیان نظر افکندیم:

(۱) در کشور های سرمایه داری سیستم کار مزدوری حکمرواست. کارگران و دهقانانی که نیروی عمده ایجاد ثروت هستند حتی در پیشرفته ترین کشور های سرمایه داری قرنهایت برای دستمزد کافی مبارزه میکنند و دائماً دستمزد آنها از هزینه زندگی عقب میماند. از راه بهره کشی خشن و بیرحمانه از کارگران و معدنیچیان و کشاورزان بهره کشان که خود گاه یککصم جامعه را تشکیل میدهند، بخش عمده یعنی گاه بیش از هشتاد در صد ثروت جامعه را بخود اختصاص میدهند و در نتیجه از امتیازات و زندگی افسانه آمیزی بهره مندند. این کشور های بزرگ سرمایه داری نهال شوم بهره کشی سرمایه داری را در هر جا که توانسته اند کاشته اند و میکارند و از آن جمله در کشور ما نیز نظامی دلخواه خود و وابسته به خویش بوجود آورده اند. در کشور ما نیز دره عظیمی بین فقر و ثروت وجود دارد. موافق محاسبه یک خبر نگار آلمان غربی، در حالیکه قشری از سرمایه داران ایران روزی پنجاه هزار دلار درآمد ویژه دارند، مزد رسمی کارگر ایرانی در بهترین حالت در حدود پنج دلار است. آیا بهره کشی انسان از انسان، فقر تولید کنندگان ثروت و ثروت غارت کنندگان مردم، مراعات حقوق بشره است؟ آیا اصولا بهره کشان بی وجدان و چاولنگر حق دارند دم از حق بشره بزنند؟ آنها هم در مورد کشور های سوسیالیستی که در آنجا نظام بهره کشی انسان از انسان و آتالی و نوکری از بیخ و بن دگرگون شده و برافزوده است؟

(۲) امپریالیستها قرنهایت کشور های آسیا و افریقا و امریکای لاتین را بیرحمانه غارت میکنند و در سایه این غارت بیرحمانه برای صنایع و کشاورزی و بازرگانی خود شرایط مساعد رشد سرمایه را فراهم آورده اند. این غارت موافق شعار «ارزان بخر و گران بفروش» انجام میگردد. از آنجمله نفت ایران را سالیان دراز به بهای بسیار ارزان خریدند و تا ۲۵ برابر این بها در بازار جهان فروختند. هم اکنون نیز نفت ما را چند برابر خرید میفروشند و در حالیکه با افزایش ده در صد بهای نفت ایران مخالفت میکنند، بهای کالاهای فروشی خود را بایران تا چهارصد درصد افزایش داده اند. این مطالب را ما نمیگوئیم، اینها را حتی سخنگویان رژیمی که خود دوستان جانسوخته غرب امپریالیستی هستند میگویند. این سؤال پیش میآید: غارت بی رحمانه و بی شرمانه صدها میلیون مردم سه قاره جهان محکوم کردن آنها به فقر و عقب ماندگی، مراعات حقوق بشره است؟ آیا واشنگتن، لندن، پاریس، بن، توکیو، رم و دیگر مراکز عمده تاراجگران بین المللی حق دارند از «حقوق بشره» دم بزنند، آنها علیه کشور های سوسیالیستی که از روز پیدایش خود با غارت استعماری مخالفت صریح کردند و در عمل از هیچگونه کمکی به جنبشهای رفاهی بخش خلفی جهان سوم، بایران تأمین حقوق خود دریغ نوردیده اند و نیز روزند و هم اکنون آنچه که این «جهان سوم» در راه استقلال سیاسی و اقتصادی بدست آورده بیرکعت پشتیبانی آنهاست.

دعوی عمیق تاریخ معاصر پیشرفت درنگ روان ترقی اجتماعی در سراسر جهان است: جنبش رفاهی بخش ملی، جنبش انقلابی که اجزاء سه گانه روند واحد انقلابی عصر نو عرصه های مختلف، هر روز و هر هفته به تازه بنانه ای دست می یابند. علیرغم پیش نظر و تقای طبقات حاکمه ارتجاعی و محافظه ر های سرمایه داری، آنها نتوانستند بکمک جنگ سرد، شانزادگی، مسابقه تسلیحاتی، فشار اقتصادی و غیره این روند را متوقف هر بار مجبور شده اند به عقب نشینی های کامیابیهایی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی نیرو های مترقی جهان امروز تن در دهند. باقی امپریالیستها در مقابل پیشرفت جلو گیری بیش مترقی و انقلابی وسائل مختلفی داشتند. به جنگ جهانی یا محلی و استقرار حکومت سنی فاشیستی و مداخلات نظامی متوسل میشدند. با این امکانات را نیز بتفریح و بیش از پیش داده و میدهند. برافروختن نانه جنگ جهانی بر تناسب نیروها بسود سوسیالیسم و ترقی و شانس موفقیت برای امپریالیستهاست. اشکال بدور ضد انقلاب نیز که یکی از نمونه های بی دیدیم، منبم دشوار تر میشود. برعکس از قبیل رژیم فرانکو، وان تیو، کایتانو، هنگهای سیاه یونان، رژیم استبدادی امپراطور مثال آن دچار شکست و انفراد تاریخی میشوند. رهای مستعمره سابق مانند آنگولا و موزامبیک حکومت های مترقی و ضد امپریالیستی قدرت ت میگيرند.

راین شرایط جهانی، امپریالیستها برای متوقف ند انقلاب و ترقی، بیش از پیش به تبلیغات میز و فریادگویی بی پروا بمنظور بی اعتبار کشور های سوسیالیستی و آرمانهای مترقی، ایجاد ترقه در جنبش انقلابی جهانی، بمنظور نشان چهره و مقاصد اصلی خویش، دست زده اند تا شاید از این راه بتوانند چرخ ترقی اجتماعی سازند و اگر بتوانند به عقب بر گردانند. یکی از موضوعات مورد علاقه جارچیان امپریا ملدتها پیش موضوع «حقوق بشره» است که ژه کشورهای سوسیالیستی آنها نقض میکنند. ح این دعوی بداندمنی است که امپریالیستهای ر و دغل ایالات متحده امریکا و انگلیس و بی و فرانسه و ژاپن و غیره خود «مدافعان» ن، حقوق بشر هستند و در کشور های آنها برد علاقه آنها گویا حقوق انسانی حفظ میشود در کشور هایی که در آنها تحول بنیادی و تاریخی بی سابقه اقتصادی و اجتماعی بخاطر تن به اسارت و ستم و غارت قرنها روی داده ، خلفی با مترقی ترین شعراها و آرمانها سر ه اند، آری، درست در این کشور ها گویا شره نقض میشود! امپریالیستها برای «اثبات» ی لغو و سرایا افتراء آمیز خود از جمله عدّه شماری از روشنگران ناراضی در کشور های تی را وسیله قرار داده اند و با بزرگ کردن اظهارات این افراد بکمک دستگاههای عظیم ن گروهی خود، میخواهند دروغ و جعل خویش ن واقعیت جلوه گر سازند.

یورش تازه رژیم علیه کارگران

(در باره آئین نامه انضباطی)

زحمتکشانی بیافشاند و آنانرا قریب دهد. ولی نه شلاق جلدان ساواک ونه «نان قندی» عوامفربیان رژیم نتوانست نتیجه مورد نظر را برای هیئت حاکمه بوجود آورد. نه تنها از نارضائی کارگران کاسته نشد، بلکه ناخشنودی آنان گسترش یافت. بموازات این گسترش ناخشنودی که قشر های وسیعی از زحمتکشان را به میدان مبارزه کشانده است، فشار واختنق ساواکی نیز افزایش یافته است. و نمونه آن تهدید های است که از سوی شاه و عمالش نسبت به کارگران انجام میگردد و مظهر آن، تغییراتی است که در قانون نا رسای کارمخوهند بسود کار فرمایان بوجود آوردند و یا جماعتی است که بنام « آئین نامه انضباطی » میخوانند علیه کارگران بکار برند.

رژیم مدعی است، که این اقدامات برای جلو گیری از بی انضباطی و «کم کاری» کارگران در واحد های تولیدی انجام میگردد، که گویا با افزایش بی رویه دستمزدها باعث پائین آمدن میزان بازده کار شده و صنایع کشور را به خطر انداخته است. و این ادعا در زمانی انجام میگردد که باعتراف خود رژیم ارزش افزوده صنایع، حتی گاه بیش از ۱۹ در صد در سال بالا رفته، صاحبان واحد های تولیدی حتی بسود های ۲۵ در صد قانع نیستند و طبق ارقام رسمی سهم مزد و حقوق در ارزش افزوده داخلی از ۲۸ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۱۸٫۴ درصد در سال ۵۲ کاهش یافته است. بی انضباطی، و کم کاری، و فراموس رژیم همان مبارزات اعتراضی و انتصابی است که کارگران برای مقابله بانشدید استعماروستم سرمایه انجام میدهند.

دولت میخواهد با تغییر قانون کار، ایجاد « آئین نامه انضباطی » و تنظیم « طرح جامع طبقه بندی مشاغل » راه هر گونه مبارزه رابرابی کارگران سد کند. نکته دیگر آنکه، علیرغم پیشرفت نسبی دنباله در صفحه ۲

گرانی و کمیابی روز افزون مواد مصرفی، بخصوص مایحتاج روزانه زحمتکشان، معطل مسکن، فقدان وسایل آموزش و بهداشت و بیمه های واقعی درمانی و اجتماعی، وضع ناهنجار ترافیک، شرایط دشوار کار، نبودن وسایل ایمنی، رفتار غیر انسانی و ناشایست کار فرمایان و مسئولان با کارگران و ده ها و صدها عامل دیگر، ناخشنودی میان کارگران را روز بروز بیشتر میکنند و آنان را و میادار تا برای تأمین حداقل شرایط کار و زندگی به مبارزات نسبتاً وسیعی متوسل شوند. اعصاب ها و نمایشهای جمعی که خبر هیچیک از آنها در مطبوعات منتشر نمیشود، نشانه ای بر این واقعیت است. کار بیحالی کشیده که حتی مطبوعات مجاز نیز ناگردد، که گاه، بپراه انداختن مصاحبه و تشکیل میز گرد، بمنظور ایجاد درجه اطمینان، بانمایندگان کارگران بگفتگو بنشینند. و با اینکه این نمایندگان غالباً از صافی « ساواک » گذشته اند، باز هم حقایق را از شرایط کار و زندگی زحمتکشان باز گو میکنند، که بنویه خود محکوم کنند.است.

رژیم شاه که هرگز از بکار بردن شیوه های ترور و اعمال زور علیه کارگران و سایر مبارزان ابا نداشتند و ندارد، تا مدتی فکر میکرد با « نان قندی » شریک کردن کارگران در سود و سهام واحد های تولیدی و تبلیغ برابری عدالت اجتماعی میتواند خاک برچشمان باز

اطلاعیه

در بهداری که بین هیئت نمایندگان حزب توده ایران، مرکب از رقا: اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی، کیانوری عضو هیئت اجرائیه و دبیر کمیته مرکزی و بهزادی عضو کمیته مرکزی و هیئت نمایندگان حزب چپ کمونیستی سوئد مرکب از رقا: لارسن ورنر صدر هیئت رهبری و بوهامار عضو هیئت رهبری صورت گرفت، موافقت شد که همکاری بین حزب توده ایران و حزب چپ کمونیستی سوئد بیش از پیش توسعه یابد.

هیئت نمایندگان حزب توده ایران رفتاری سوئدی را با تفصیل از اوضاع سیاسی ایران و مبارزه کمونیستهای ایرانی علیه رژیم دیکتاتوری مطلع ساخت. هیئت نمایندگان حزب چپ کمونیستهای سوئد درباره وضع تازه ای که بعد از انتخابات پاییز (۱۹۷۱) در سوئد بوجود آمده و وظائف کمونیستهای سوئدی، اطلاعاتی در اختیار هیئت نمایندگان حزب توده ایران گذاشت. حزب چپ کمونیستهای سوئد با ابتکارات گوناگون، همبستگی با جنبش دمکراتیک مردم ایران و حزب برادر خود، حزب توده ایران را گسترش خواهد داد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

تلگراف فیدل کاسترو دبیر اول حزب کمونیست کوبا در پاسخ شادباش حزب ما بمناسبت بیستمین سالگرد انتشار روزنامه «گرانما»

رفیق ایرج اسکندری دبیر اول حزب توده ایران!

از سلامهای پراثرانه شما بمناسبت بیستمین سالگرد انتشار «گرانما» متشکرم. از این فرصت استفاده کرده به کمونیستهای ایران و خلق ایران سلامهای خلق و حزمان را تقدیم میندام.

فیدل کاسترو روز دبیر اول حزب کمونیست کوبا

توطئه امپریالیستی را علیه ...

۳) امپریالیستها بر افروزنده جنگ هستند و با شمله های جانشین خود را گرم میسازند. جنگ اول جهانی و جنگ دوم جهانی دو نمونه از این جریان است. دهها میلیون تن جوان مصوم و ناکم در جبهه جنگ هائیکه امپریالیستها برانگیخته اند، خاکستر شده اند. آخرین نمونه درندگی آنها را ما چندی پیش در بنام دیدیم: کشتار جمعی نفوس و حتی کودکان شیر خوار در «مدرسه سونگ می»، بدست سربازان امریکائی چهره درنده این آصفوران را یکبار دیگر نشان داده است. قصابان این «مدرسه سونگ می» از هر گونه ییگرده از طرف داد گلهای امریکا تاکنون مصون مانده اند. اگر امروز ما پس از ۳۲ سال که از جنگ جهانی دوم گذشته، با مذاکره ای برای صلح و امنیت عمومی و خلع سلاح روبرو هستیم، فقط و فقط ببرکت سلسی ییگیرو بر حوصله اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی است. می پرسیم: آیا یعنی از خطر جهانسوز جنگ حق اساسی هر انسان زنده نیست؟ آیا امپریالیستها، که لکه های خون چندین جنگ بر دامن ناپاک آنهاست و درخیم جمعی نوع انسانند حق دارند از «حقوق بشر» صحبت کنند و آنچه کشور های سوسیالیست را که در فشار صلح و امنیت و خلع سلاحند به نقض حق بشر متهم سازند؟

۴) امپریالیستها بر مرزها، حامیان و پاسداران نظام ضد بشری تژاد گرائی هستند. در امریکا بیش از بیست میلیون سیاه پوست و میلیونها افراد دیگر باصطلاح رنگین مورد انواع تبعیضات تژادی قرار دارند. رژیمهای تژاد پرست روزبنا و بره توریا در افریقای جنوبی پورورده دست امپریالیسم است و هم اکنون از جانب آنها آشکار و نهان در مقابل اکثریت سیاه پوست کشور که موافق قانون جانوران «آپارتاید» از حقوق اولیه انسانی خود محرومند مورد تقویت قرار میگیرند. سازمان ملل متحد صهیونیسم را که آن نیز پرورش یافته دامن امپریالیسم است یک جریان تژاد گراییه دانسته که تابودی خلق عرب فلسطین را مدتهاست وجهه همت خود ساخته است. آنوقت این برده داران تژاد گرا، این تحقیرکننده کمان فضیلت انسانیت جرات میکنند از حقوق بشر دم بزنند. کشورهای سوسیا لیستی پیوسته تژاد گرائی و رژیمهای تژاد گرا را افتاء کرده و با آنها بسود خلفهائی که مورد تبعیض قرار گرفته اند، مبارزه نموده اند.

۵) امپریالیستها فاشیسم را ایجاد کرده و آزا وسیله سرکوب جنبش خلفه قرار داده اند. تاریخ استاد و مدارک فراوانی در مورد نقش امپریالیسم برای ایجاد فاشیسم در آلمان و ایتالیا ارائه میدهد. توطئه های که منجر به جنگ دوم جهانی شد، رژیمهای ارتجاعی و فاشیست ماب کونی از نوع رژیم ایران، شیلی، برزیل، تایلند، پاراگوئه، اندونزی، کره جنوبی و امثال آن باحمایت مستقیم امپریالیستها در این کشورها سرکار آمده اند. سازمانهای فاشیستی جهان دارای تودیکترین ارتباط با محافل سرمایه داری بزرگ امریکا لیستی هستند، جنایات فاشیسم در تاریخ محاصر انسانی از حد و اندازه بیرون است. آنوقت این مغروران آموزش ضد انسانی فاشیسم و نئوفاشیسم و حامی رژیم های شور ارتجاعی بخود اجازه میدهند، چون گر کانی که پوست امش در پر کنند، سیمی مصوم حامی «حقوق بشر» بخود بگیرند. کشورهای سوسیالیستی دشمن فاشیسم و برحسب ماهیت اجتماعی خود مخالف سرسخت نظامات فاشیستی و ارتجاعی هستند و در رهائی انسان ازخطر فاشیسم هیئتی، اتحاد شوروی نقش فاع ایفاء کرده است.

این پنج نمونه باندازه کافی گویاست تا نشان دهد دعوی هیئت حاکمه و مطبوعات جهان سرمایه داری علیه سوسیالیسم در باره «حقوق بشر» چه سفسطه و چه مضحکه رسوائی است. ما دیگر از سواد و فرهنگ و بهداشت، فقدان برابری حقوق بین زن و مرد، دامنه وسیع فساد و جنایت و انواع بزلایی دیگر اجتماعی که شخصیت انسانی را خورد و پامال میکند سخن نمیگوئیم. «آلجا که عیان است چه حاجت به بیان است».

جارچین امپریالیستی «حقوق بشر» میخواهند دمکراسی بورژوائی برخی کشورهای سرمایه داری را نمونه و مظهر کامل دمکراسی جا بزنند. البته در کشورهای سوسیالیستی دمکراسی بورژوائی یعنی آزادی بهره کشی، آزادی غارت خلفه، آزادی تبلیغ جنگ

و تژاد پرستی وجود ندارد. دمکراسی سوسیالیستی که محنتی آن حاکمیت واقعی خلق است حاضر نیست تحت عنوان قبول تشروری بورژوائی «پلورالیسم» برای بازگشت نظام بهره کشان چاده را هموار کند. والا در دمکراسی سوسیالیستی همه آزادیهای واقعی برای همه افراد جامعه نه فقط اعلام بلکه تضمین شده است. در این کشور ها حتی حقوقی تضمین شده است که در کشورهای سرمایه داری سخنی هم از آنها نمیتواند در میان باشد. مانند حق کار، حق تحصیل، حق استراحت، حق تأمین پیری و غیره. این عالی ترین شکل دمکراسی است که تاکنون در تاریخ بشر پدید آمده و اولین بار است که افراد ساده و زحمتکش جامعه در سرنوشت خود شرکت مؤثر دارند و از ثمره رنج خود بانحاح مختلف برخوردار میشوند. البته دمکراسی سوسیالیستی در مراحل اولیه رشد خود است و هنوز باوج کامل نرسیده ولی هم اکنون از جهت ماهیت خود بسی از بالاترین دمکراسی های پلورالیستی بورژوائی انسانی تر و خلقی تر و دمکراتیک تر است. هدف تبلیغات گلو حران و ویجناحه امپریالیستی در باره حقوق بشر آست که افکار را از بحران عمیق ساختاری نظام سرمایه داری منحرف کنند، از اعتبار فزاینده سوسیالیسم بکاهند، برخی ساده لوحان را حتی در میان جریانها و عناصر مترقی دچار سرگیجه و تضایف سفسطی و خطا کنند. ولی تجربه بیهه نشان داده است که موجودات مطروزی مانند سوازیلند که در آرزوی احیاء رژیم تژادری هستند، یا مانند ساخالر که بخاطر خیانتهای خود از امپریالیست ها جایزه نوبل دریافت میکنند، در جوامع سوسیالیستی کاملا مغفوم میمانند. سوسیالیسم میتواند و باید از خود و موجودیت و دستاوردهای عالی خود دفاع کند زیرا این دفاع از منافع انسان، دفاع از حقوق بشر بمعنای وسیع و واقعی این کلمه است.

برای مردم ایران که حمایت دائمی امپریالیستها را از رژیم خودخوار دیکتاتوری پلیسی کشور ما غارت ثروت ملی نفت ایران، تحصیل دهها میلیارد دلار و کالا های غیر ضرور بر اقتصاد ایران و اعزاز هزاران تن بنام مستشار نظامی و کارشناس فنی و غیره می بینند، عیار اعلی مضحک غرب دایر به دلسوزی برای «حقوق بشر» روشن است.

کدام ایرانی عاقل و وارسی است که به این ادعاهای پوزخند نزند؟ با ایجاب حزب ما ضرور میسرمد همه اعضاء و دوستان و هواداران خود و عناصر مترقی را متوجه این بازی تازه امپریالیستی بکنند. باید با تمام قوا از کشور های سوسیالیستی و مترقی، از وسعت جنبش انقلابی و ترغیبخواهانه دفاع کرد؛ افتراءات جعلی را مردود ساخت؛ جنایات بی پایان امپریالیسم و سرمایه داری را از آنجمله در ایران برملا نمود و برای دفاع از حقوق اصلی و عمده انسانی: حق رهائی از بهره کشی و استثمار، حق کار، حق تحصیل، حق استراحت، حق ایمنی و صلح با تمام قوا کوشید و رژیمید.

ما اطمینان داریم که این موج سیاه تازه تعرض امپریالیستی در برخورد باحراک روشن واراده خراشیدن نیرو های انقلابی مترقی جهان طی زمان خود خواهد شد و امپریالیستها بنا گریز بی خواهند برد که تنها راهی که در تاریخ باست تن در دادن به خواستههای مردم مردم جهان است نه دست زدن به مانور و عوامفریبی وسفسطه که در بهترین حالات، روتنش یک دو روزی بیش نیست و باشکست حتمی روبرو خواهند شد. اگر امپریالیستها تصور کردند که با اسلوبهای ماکیاوولیستی، چنانکه در گذشته کردند، در آینده نیز خواهند توانست نظام استثمار و استثمار، نظام آقائی اقلیت ممتاز و برگی اکثریت محروم، نظام تحریکات جنگی و مسابقه تسلیحاتی را در جهان کنونی تا دیری حفظ کنند، باید به آنها گفت: زهی تصور باطل! زهی خیال محال! از مبدا اکتبر ۱۹۱۷ که ما اینک در شصتمین سال آن هشتمین تاریخ وارد میرای تازه ای شده و قوانین نوینی دمبلم بر آن حاکمتر و حاکمتر میشود و این قوانین نو و انسانی و مترقی، جهانی برای دساس پلید شیطان غارتگران و ستنگران باقی نخواهد گذاشت.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بهمن ماه ۱۳۵۵

پورش تازه رژیم ...

اقتصاد کشور، که در سایه درآمد نفت و نتیجه تشدید استثمار زحمتکشان تأمین میشود، سیاست های ضد ملی و ضد مردمی رژیم در تمام عرصه ها، نا بسامانی ها و ناهماهنگی های عظیمی که نام آنها «تنگنا» گذارده اند، در اقتصاد ایران پدید آمده و رژیم اکنون میخواهد برخی از این تنگنا ها و نا بسامانی ها را بحساب زحمتکشان برطرف سازد. رژیم شاه در حالیکه دست کار فرمایان را در مجازات و اخراج کارگران آزاد میگذارد، کارگران را بنام جلوگیری از «کار گریزی» حتی از حق تغییر محل کار محروم میکند و مانع افزایش محدود و نسبی دستمزدها میگردد. وزیر کار و امور اجتماعی با اشاره باینکه در کارخانه های مختلف طبقه بندی مشاغل متفاوت وجود دارد، میگوید: «دستمزد های نشی از طرح های متفاوت عامل عمده جا پجائی کارگران از یک کار گاه به کار گاه دیگر میشود، و بنا بر این برای جلوگیری از این وضع باید برای تمام این کار گاهها طرح واحدی بنام «طرح جامع طبقه بندی مشاغل» تدوین شد تا دیگر کارگران بتوانند محل کار خود را بامید دریافت مزد بیشتر ترک کنند. دولت با این اقدام خواهد میخواست بر شدت کار بیافزاید و به بهانه جلوگیری از «کارگر ربانی»، کارگران را مانند دهقانان سرف وابسته کار خاته و کارفرما سازد و از این راه به حل تنگنای نیروی کار بسود کارفرمایان کمک کند و از طرف دیگر با جلوگیری از افزایش دستمزدها، از میزان مصرف ناچیز زحمتکشان باز هم بیشتر بکاهد و از این راه میان عرضه و تقاضای مواد مصرفی «تعادل» بوجود آورد و با تورم مبارزه کند. رژیم همچنین با ایجاد شرایط برای تشدید کار و استثمار میخواهد قدرت رهاقت واحد هائی را که در نتیجه نا بسامانی های اقتصادی کشور، گرانی ماشین آلات و مواد خام وارداتی و مدیریت بد، قادر به مقابله با کشورهای دیگر در بازار های داخلی و خارجی نیستند، بالا بردد و نیز با تأمین سود بیشتر به مالیات سرمایه در مؤسسات خصوصی، که نا بسامانی های ناشی دولت، امکانات آنها برای داخ اعتبار به این مؤسسات محدود میسازد، یاری رساند.

بعلت همین جنبه های ضد کارگری است که سرمایه داران پشتیبانی و خرسختی خود را از اقدامات اخیر رژیم ابراز میدارند. وزیر کار میگوید: «وزارت کار فقط وزارت کارگر نیست واز این پس این وزارت خانه، وزارت کارگر و کارفرما خواهد بود. در اینجا وزیر کار علاوه بر اینکه به کار فرمایان، که همیشه وزارت کار را، وزارت کار فرما میدانستند، دلگرمی تازه میدهد، در عین حال بطور ضمنی چنین مدعی میشود که گویا تاکنون این وزارتخانه فقط در خدمت کارگران بوده است. برای بی بردن به عیار واقعی این ادعای مزورانه وزیر کار کافی است بگوئیم که تاکنون ۳۰ هزار پرورنده از کار گاههائی که کار فرمایان آنها، نه تنها سهم خود را بابت بیمه کارگران نپرداخته اند، بلکه سهم پرداختی خود کارگران را نیز بالا کشیده اند، روی دست «صندوق تأمین اجتماعی» باقی مانده است.

حتی سازمانهای دولتی رژیمی که مدعی است بزودی تمام مردم ایران را زیر پوشش بیمه های اجتماعی درمائی قرار خواهد داد، ۳۰ میلیارد ریال حق بیمه خود را به این صندوق نپرداخته اند! این وضع مربوط به زمانی است که کویا وزارت کار قبلاً از کارگران حمایت میکرد، حالا که این وزارتخانه مدافع کارفرمایان شده باید دید چه گل تازه ای بر سر کارگران خواهد زد. مدافعان رژیم نه تنها کارگران را به «بی انضباطی» و «کم کاری» متهم میکنند، بلکه با نهایت بیشرمی «تبلیغات مجرمانه» زیر کانه و خرابکارانه دشمنان ایران، را عامل این «بی انضباطی» و «کم کاری» جلوه میدهند. تهران آکونومیست در شماره ۹ بهمن ۱۳۵۵ خود مینویسد: «باید با کامل تأسف قبول کرد که روحیه کار و کار آبی در کشور ما در سالهای اخیر باثبات آمده است و ... یکی از مهمترین عوامل ایجاد کننده این وضع، همان تبلیغات مجرمانه، زیر کانه و خرابکارانه دشمنان ایران است. این افسانه ایست رنگ باخته. ولی باین مدافعان رژیم سرمایه های کلان باید گفت که این تبلیغات باصطلاح دشمنان ایران نیست که کارگران را به مبارزه و با بقول شما به «بی انضباطی» و «کم کاری» میکشاند، بلکه این واقعیت جهانی است که بیش از هر تبلیغ دیگری چشم و گوش کارگران را باز میکند و آنان را برای احقاق حقوق پایمال شده خود به مبارزه سوق میدهد. بيشترمانهتر از این اتهام، راه حلست که این

فرخننده باد روز هشتم مارس ...

روز بین المللی زنان گفته است نقل کنیم: توده ها را به زند گسی سیاسی کشاند، بدون زنان نیز باین کار جلب شوند. «این رهنمون» که خصلت خود را برای زنان کشور محافظ کرد، در شرایط امروزی کشور ما مردم در بزرگ در گیر شده اند، نبرد برای زند گسی آزادی و برای استقلال و هر روز دامنه این نبرد میشود. عدله نسبتاً قابل توجهی از زنان یا از خود زیاد هیمی مردان پای به میدان گذاشته اند نیرو تنها تعداد کمی از میابونها زن ایرانی است، های وسیع زن را در بر نمیگیرد.

نیروی اساسی و پایه ای هر انقلاب و واقعی، توده زحمتکشان، یعنی کارگران و تعداد زنانی که وابسته به این طبقات هستند زیاد اما شرکتشان در مبارزه بعلی که روشن است محدود است و میتوان گفت که نیروی انقلاب بر روی دو پای خود نایستاده یا بگفته دیگر مرد و زن استوار نشده است، در ایران برای استثمار هرچه بیشتر زن، بدست آوردن نیروی کار ارزان، کوشش میشود، در کارخانهها بکشاند. زنان دهقان بی چیز بدست آوردن تنگه نانی ته تنها بار زند گسی طلاق خانواده خود را در دوش دارند، بلکه تعداد آنها در کارهای فصلی در روی مزارع دیگران مینمایند و با پای کار گاههائی قالی زند گسی بران را میگردانند و برآستی میخوان گنت برد گرز مناسبات سرمایه داری دو برابر شده است: هم نظرانجامی، یعنی بمنابه زحمتکش درموستات، بعنوان زن درخانواده و در روابط با مردان. در شرایط اجتماعی مردان میدان گسترده تری برای خود داشته ود زند گسی برای آنها بطور نسبی بازر بوده است و فر لباس بازنن و بطور متوسط واژند تر و روشن تر اکنون بر مردان است که عمیقاً پذیرند که آنها است و عمیقاً باید ترک نمایند که باید انسانی و اجتماعی زن بمعنای واقعی ونه بمعنای احترام گذاشت و به او نشان داد که کم مبارزه تا چه اندازه با ارزش است و تا او با مبارزه نگذارد به بختی و ستمی که ملت ایران دست به گریبان است از میان برداشته نخواهد و بر زنان بیشتر و آگاه است در ده و زنان وطن خود توضیح دهند که شرایط زند گیشان نتیجه سرنوشت و تقدیر نیست بلکه مصه ظالمانه اجتماعی است و انواع ستم هائی که میشود بر ایشان آشکار نمایند و توضیح دهند تجربه دیده شده است که زنان خیلی زود بر یا فداکاری و گشتی که در آنها هست و ملاقه به خانواده خود دارند باینگونه مسائل مربوط به اجتماعی خود را زود ترک مینمایند و آنگاه از هیچ نیروی نمیتوانند آنها را از مبارزه برای از زند گسی، نه خود، بلکه هم نخباش باز آنگاه است که زن همزیم نیرومند واز خود که درمیدان پیکار اجتماعی است. لذین میگوید: موضوع زن بخشی از مسئله اجتماعی و کارگر، و میتوان سخن این امر و مبارزه طبقاتی پرولت انقلابی بیوند محکم ایجاد کرد.

تنها بایداری و آگاهی توده عظیم زن و با متشکل شدن هزارها زن میتوان در مبارزه کنونی مردم ایران پیروزی را بدست آورد.

ع

حیره خوران رژیم و صاحبان ثروت مطرح می ...